



Effect of Place Identity on the Spatial Pattern of Voting; A Case Study in the Parliamentary Election with Emphasis on Meymand District, Firoozabad Constituency

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Kavyani Rad M.*¹ PhD,
Goharzagdegan Manesh H.¹ MSc

How to cite this article

Kavyani Rad M, Goharzagdegan Manesh H. Effect of Place Identity on the Spatial Pattern of Voting; A Case Study in the Parliamentary Election with Emphasis on Meymand District, Firoozabad Constituency. Political Spatial Planning. 2019;1(3):159-166.

ABSTRACT

Introduction Place is the center of geography and identity is the manifestation of culture in place. Regarding the belonging to different places, people have different actions, approaches, and tendencies. As a political event, parliamentary election plays an important role in the representation of voters' place identities. Affected by its location, Iran, throughout history, has had a wide variety of place identities; parliament election plays a key role in revealing the diversity of identities and, consequently, the diversity of spatial pattern of voting. The present research, which has a descriptive-analytical nature, relies on the hypothesis that place identities, resulted from the diversity of dialect and the feeling of rejection due to the distance dimension, have affected the spatial pattern of voting in the form of heterogeneity of votes, dissipation of votes, and spatial conflicting relationships in Meymand district and Firoozabad constituency. To collect the data, library research method (using books and journals) and field study (questionnaire) were used.

Conclusion Spatial conflicts and distances from the central core of the Meymand district led to the heterogeneity of votes, the dissipation of votes, and the dispersion of votes; this spatial pattern of voting is accompanied by reducing the Meymand's influence on the overall results of the constituency.

Keywords Place Identity; Environmental Perception; Electoral Geography; Firoozabad

¹Political Geography Department, Geographic Sciences Faculty, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: NO. 49, Shahid Mofateh street, Tehran, Iran. Postal Code: 1571914911
Phone: +98 (21) 88829359
Fax: +98 (21) 88829359
kaviani@khu.ac.ir

Article History

Received: August 11, 2017
Accepted: September 29, 2017
ePublished: September 22, 2019

CITATION LINKS

[1] Explanation of informal settlement from the perspective of environmental justice; case study: Mahmoodabad village of Karaj [2] The role of place identity in political action; case study: Enghelab square and Tehran streets [3] Identity crisis, not individual nondescriptness [4] The ratio of identity and fragmented identities [5] Our Iranian-Islamic identity in Iranian identity [6] New trends in philosophy of geography [7] Index urban axis and ecological river corridors (promoting place identity focusing pedestrian trails tourism) [8] Where are we from? (Giving identity to residential tissue) [9] Identity with space [10] The concept of the sense of place and its forming factors [11] We'll both belong to the place: Developing cultural awareness through receptivity and recognition [12] Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process [13] The effect of technological urban renovation on the creation of nondescriptness sense; case Study: Navvab Highway in Tehran [14] Investigating and analyzing the role of the city scale in the sense of place; case study: Tehran [15] Election geography with emphasis on presidential elections in Iran [16] Seventh elections studies, theoretical and strategic exploration of the elections [17] Political geography and the theoretical study of the east European [18] An introduction to political geography: Space, place and politics

تأثیر هویت مکانی بر الگوی فضایی رای؛ مطالعه موردی انتخابات مجلس شورای اسلامی با تأکید بر بخش میمند، حوزه انتخابیه فیروزآباد

مراد کاویانی‌راد* PhD

گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

حسین گوهرزادگان‌منش MSc

گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. افراد به فراخور تعلق به مکان‌های متفاوت کنش، منش و گرایش‌های گوناگونی دارند. انتخابات پارلمانی به عنوان یک رخداد سیاسی نقش موثری در بازنامایی هویت‌های مکانی رای‌دهندگان دارد. ایران نیز برخاسته از موقعیت جغرافیایی‌اش طی تاریخ، تنوع گسترده‌ای در هویت‌های مکانی داشته که در این میان، انتخابات مجلس شورای اسلامی در آشکارسازی این تنوع هویت و به تبع آن تنوع الگوهای فضایی رای نقش داشته است. مقاله حاضر که ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد بر این فرضیه استوار است که هویت‌های مکانی ناشی از تنوع گویش و احساس طردشدگی ناشی از بعد مسافت بر الگوهای فضای رای در قالب ناهمگونی آرا، سرشکن شدن آرا و مناسبات تعارض‌آمیز مکانی در بخش میمند در کلیت حوزه انتخابیه فیروزآباد تأثیر گذارده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای (استفاده از کتب و نشریات) و میدانی (پرسش‌نامه) بود.

نتیجه‌گیری: تعارض‌های مکانی و بعد مسافت از هسته مرکزی بخش (میمند) به ناهمگونی آرا، سرشکن شدن آرا و پراکندگی آرا انجامیده که این الگوی فضایی رای کاهش میزان تأثیرگذاری میمند در نتایج کلی حوزه انتخابیه را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: هویت مکانی، ادراک محیطی، جغرافیای انتخابات، فیروزآباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۷

*نویسنده مسئول: kaviani@khu.ac.ir

مقدمه

پیدایش مکان، برآیند تعامل محیط پدیداری و محیط واقعی در قالب کنش متقابل بنیادهای زیستی و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و همچنین دستیابی به منابع قدرت و تصمیم در قالب سرمایه، رسانه و مدیریت است. عوامل موثر در پراکنش این تعامل‌ها و قالب‌ها، منجر به ایجاد ساختارهای متفاوت و تمایزهای مکانی می‌شود^[1]. مکان، کانون علم جغرافیا و هویت و همچنین تجلی فرهنگ است. انسان‌ها باتوجه به مجموعه باورها، اندیشه‌ها و کنش‌هایش، منشا معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به‌شمار می‌روند^[2]. انسان به فراخور تعلق به مکان‌ها و به تبع فرهنگ‌های گوناگون، در مناسبات و کنش‌های اجتماعی‌شان طیفی از تعامل در قالب همزیستی، هم‌وردی، کشمکش و ستیز را ایجاد می‌کنند. در این میان انتخابات در مقیاس فروملی (انتخابات مجلس و شوراها) از آن دست رخدادهای سیاسی- توده‌ای است که می‌تواند تعارض‌های مکانی را به‌میزان زیادی بازنامایی کند. داده‌های موجود گویای آن هستند که هویت‌های مکانی متفاوت و گاه متعارض باعث همگونی آرای یک حوزه انتخاباتی و گاه سرشکن شدن همین آرا می‌شود. به دیگر سخن، تنوع و تعارض هویت‌های مکانی به آفرینش خاستگاه‌های آرا در مقیاس حوزه انتخابیه می‌انجامد. حوزه‌های انتخابیه متشکل از گروه‌ها، جریان‌ها، مکان‌ها و نواحی هستند که هر کدام هویت و منفعت

خاص خود را دارند که گاه در تعارض با هویت و منفعت دیگرذی‌نفعان قرار می‌گیرد. از این رو شناخت بنیادهای کنشگری و ایستار بازیگران در پژوهش‌های انتخاباتی به‌ویژه در جغرافیای انتخابات، برای واکاوی روندها و نتایج انتخابات گریزناپذیر است.

حوزه انتخابیه فیروزآباد، قیروکارزین و فراشبد متشکل از سه شهرستان همجوار در استان فارس، در مجلس شورای اسلامی ایران یک نماینده دارند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که شهرستان فیروزآباد با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت در دو بخش میمند و مرکزی، تعیین‌کننده‌ترین شهرستان این حوزه انتخابیه برای انتخاب نماینده مجلس است. در این میان بخش میمند با ۲۴ هزار نفر جمعیت، از جمله پایگاه‌های موثر رای‌آوری نامزدهای انتخاباتی این حوزه به‌شمار می‌رود. با این حال یافته‌های موجود گویای آن است که این بخش به فراخور وزن ژئوپلیتیک خود نتوانسته است در مناسبات قدرت، در مقیاس حوزه انتخابیه نقش بیافریند.

نوشتار کنونی بر این فرضیه استوار است که تمایز همراه با تعارض‌های برخاسته از هویت‌های مکانی در قالب تنوع زبان (ترکی در قسمت‌هایی از بخش و فارسی) و لهجه (تفاوت‌های گویشی میان خود فارسی‌زبانان) در بیشتر دوره‌های انتخاباتی به شکل‌گیری الگوی فضایی خاصی از منظر پراکنش و تفرق آرا منجر شده است به گونه‌ای که این وضعیت منجر به سرشکن شدن آرای این بخش و در نتیجه کاهش وزن ژئوپلیتیک آن در سطح حوزه انتخاباتی شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت) گردآوری شد و روش‌شناسی حاکم بر پژوهش سرشتی توصیفی-تحلیلی داشت.

بنیادهای نظری

هویت مکانی: هویت، مجموعه خصوصیات است که فرد یا شی را از دید تعلق به گروه یا نوع تبیین می‌کند^[3]. همچنین هویت نوعی رابطه ذهنی میان شخصیت فرد و ساختار اجتماعی است^[4] که در قالب مجموعه‌ای از نشانه‌ها، آثار مادی، زیستی و فرهنگی نمود یافته است و موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. هرچند محتوی و مظهر این ظرف به فراخور جوامع مختلف، متفاوت است^[5].

مکان به عنوان بخشی از فضای جغرافیایی به‌صورت یک دستگاه و مجموعه محدود شده‌ای است که در روابط اجتماعی و هویت به وجود می‌آید^[6]. مشخصات کالبدی، فعالیت‌ها و معانی، ابعاد سه‌گانه هویت مکانی را شکل می‌دهند^[7]. هویت مکانی به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط میان انسان‌ها و مکان‌ها از رهگذر فرهنگ، نوع و ماهیت فناوری ساخت، نشانه‌ها و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌شود. در این میان دلبستگی مکانی، شکلی از تعلق خاطر به محلی است که آشنایی دیرینه و به تبع، آرامش با آن احساس می‌شود و افراد هویت مکانی خود را براساس همین دلبستگی با عناصر کالبدی آن تعریف و عملیاتی می‌کنند. گاه دلبستگی مکانی و هویت مکانی آنچنان درآمیخته‌اند که تمایز نمی‌پذیرند. در واقع با پیشرفت دلبستگی مکانی طی زمان، احساس هویت مکانی نیز پدید می‌آید اما تفاوت آنها در ضمیری است که به هر یک از آنها مربوط می‌شود. مکان، برانگیزاننده حس تعلق، تعهد و مسئولیت است. از این رو هویت مکانی، احساسی در فرد یا جمع است که به واسطه ارتباط با یک مکان برانگیخته می‌شود^[8] و به‌عنوان بخشی از هویت فرد- اجتماع مطرح است. در واقع، هویت مکانی برآیند تداوم هویت مکان و تبدیل آن از

قالب ترسیم نقشه‌های رفتار انتخاباتی و زمینه‌های موثر (ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) در تنوع فضایی الگوهای انتخاباتی می‌پردازد. داده‌ها و یافته‌های مرتبط با برگزاری انتخابات نشان می‌دهند که طیف گسترده‌ای از عوامل در ترجیحات موثر بر پراکنش فضایی مشارکت و رای‌دهی اثر می‌گذارند. بر این پایه، جستارهایی مانند خاستگاه آرا، توزیع فضایی قدرت، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، رای‌گیری، نقش مکان‌ها، محلی‌گرایی انتخاباتی، حوزه انتخاباتی، الگوهای فضایی رای که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و حقوقی حاکم است، در کانون مطالعه جغرافیای انتخابات قرار داشته‌اند. بر این اساس، جغرافیای انتخابات به عنوان گرایش از جغرافیای سیاسی به مطالعه الگوهای فضایی توزیع قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا (فضا)، انتخابات و قدرت می‌پردازد [15].

الگوی فضایی رای: حوزه‌های انتخاباتی گویای تفاوت‌ها و تمایزهای جغرافیایی، ساختارها، الگوهای فرهنگی و اقتصادی نواحی مختلف کشور به شمار می‌روند. از این رو ماهیتی پویا و دگرگون‌شونده دارند. بر این پایه، نمایندگان حوزه‌های انتخابیه بازتابی از مناسبات ساختارهای قدرت حوزه‌های انتخاباتی هستند. بر بنیاد چنین تنوعی همگان به یک طریق رای نمی‌دهند. الگوهای رای‌دادن تنوع مکانی دارند و مراتب گوناگونی در آنها می‌توان شناخت. برای نمونه شکاف‌های محلی- ملی منجر به ایجاد تفاوت‌های کوچک و بزرگ در بیان سیاسی و در نتیجه رای‌دادن می‌شود. این شکاف‌ها بر توزیع نمایندگی سیاسی و از آنجا بر جغرافیای رای‌دادن اثر می‌گذارد. درباره پیامدهای آن نیز می‌توان گفت که رای‌دهندگان تحت تأثیر حزب اکثریت قرار می‌گیرند. یک اثر مرتبط با این مورد قدرت کاندیداهای محلی در تأثیرگذاری بر رای‌دهندگان در ناحیه محل سکونت آنها است [16]. وقتی نامزد انتخاباتی به مکان جغرافیایی خاصی تعلق دارد، رفتار سیاسی- اجتماعی مردم آن مکان با کل کشور متفاوت است زیرا مردم فکر می‌کنند نامزد ناحیه‌شان می‌تواند مشکلات آنها را بهتر حل کند [17].

تأثیر همسایگی از مفاهیمی است که با واژگانی همچون ارزش، تصمیم، رفتار، کنش، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مکان، محیط، زادگاه با جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و غیره در ارتباط است که عموماً ناظر بر مولفه‌های موثر در رای‌گیری و رای‌دهی جغرافیایی انتخابات است. افراد در تعامل روزانه با دیگران (اطرافیان، همسایگان یا بیگانگان) از همگونی و ناهمگونی خود با آنها و همچنین گرایش‌ها و نگرش‌های آنان مطلع می‌شوند. هویت‌های برخاسته از جوه همسان محیطی، اجتماعی- اقتصادی در پیدایش ویژگی‌هایی همچون اهداف مشترک، احساس و عواطف همسان، روابط متقابل اجتماعی و خلق سازه‌های اکولوژیک انسانی و در نهایت کنش همسان، نمود آشکاری دارد.

هماوردی مکانی و انتخابات: هر اندازه پدیده‌ها به هم نزدیک‌تر باشند پیوستگی و ارتباط آنها بیشتر است. فاصله یکی از مفاهیم اساسی دانش جغرافیا به‌ویژه در رویکرد فضایی است که از دیدگاه مفهومی ناظر بر تأثیر بُعد مسافت بر کنش فرهنگی یا فضایی نواحی و مکان‌هاست. عنصر فاصله در افزایش یا کاهش برهم‌کنشی و تعامل نواحی بسیار مهم است. کنش متقابل میان دو مکان با مسافت آن دو رابطه عکس دارد. از این رو افزایش مسافت از جذابیت، آشنایی، تعامل، پیوند و برهم‌کنشی مکان‌ها می‌کاهد [15].

بر اساس دیدگاه‌ها و یافته‌های موجود، هرگاه خواست‌ها و منابع محدود باشند، مناسبات قدرت از همکاری تا هموردی و هم‌ستیزی شکل می‌گیرد. تاکنون هموردی شکل قالب بوده است.

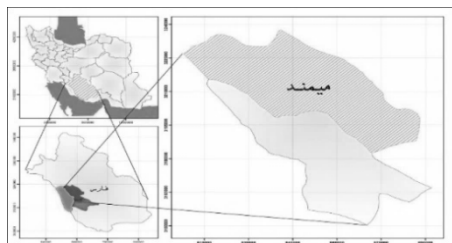
مقوله‌ای بیرونی به موضوعی درونی است. از این رو ادراک هر فضا به‌ویژه فرآیند سازگاری آن فقط برگرفته از رفتارهای غریزی نیست بلکه برخاسته از زمینه‌های فرهنگی نیز هست [9]. تعهد و مسئولیت برخاسته از هویت مکانی زمینه‌پویندگی و پایداری اجتماع را فراهم می‌کند.

حس و تعلق مکان: محیط پیرامون افزون بر سازه‌های کالبدی، شامل پیوندهای عاطفی و نمادهایی است که در یک تجربه زیستاری دیرپا به‌دست می‌آیند و القاکننده دریافت‌های عاطفی و احساسی است که در افراد مختلف متفاوت است. از این رو حس مکان پدیده‌ای کالبدی- روانی است که متأثر از جهان زیست افراد است. چنین حسی اشخاص را در ارتباطی درونی با محیط بیرونی قرار می‌دهد به‌طوری‌که درک و احساس افراد زمینه‌ای معنایی در محیط می‌یابد. این احساس موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد می‌شود و از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان خاص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود [10]. برداشتی که از آن با عنوان حس مکان یاد می‌شود توسط افراد مختلف به شیوه‌های متفاوت تعریف و استفاده شده است. برای گروهی، حس مکان آن دسته از خصیصه‌هایی است که مکان‌های جغرافیایی را از هم متمایز می‌کند؛ برای گروهی نیز احساس یا ادراکی است که افراد از مکان‌ها دارند [11]. افراد مختلف براساس پیشینه و تجربه‌شان تفاسیر متفاوتی از محیط‌شان دارند. بر این پایه، محیط، ساختی ذهنی نیز دارد و انسان محیط را با فرآیندهای تفسیری پیچیده‌ای درک می‌کند [12] و مفهوم‌یابی مکان به‌عنوان فضای مجادله‌ای با هویت‌های چندگانه به درک افراد از مکان، پویایی می‌بخشد [12]. کار ویژه حس مکان، شکل‌دهی به مناسبات انسان و مکان است زیرا سازه‌های عینی و مناسبات اجتماعی در معنا و ارزش مکان، کارکرد اساسی دارند. اگر افراد از مکان خاصی تجربه خاصی نداشته باشند، طبیعی است که حس مکانی و تعلق خاطری برنمایند. با وجود این، رسانه‌ها، فضای مجازی و معماری در قالب ذهنیت‌سازی چیرگی زمان بر مکان، کم‌رنگ‌سازی عنصر فاصله و درهم‌آمیزی عینیت و ذهنیت می‌توانند در خلق حس مکانی و بی‌مکانی موثر باشند [13]. تعلق مکان که بر پایه حس مکان پدید می‌آید امری فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان می‌انجامد و در آن انسان خود را بخشی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها و عملکردها، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام خواهد بود [14].

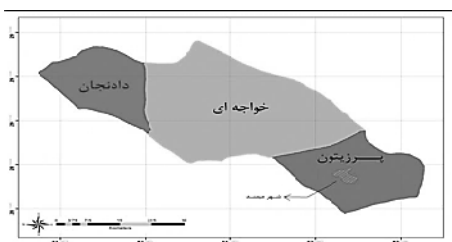
جغرافیای انتخابات: سیاست و امر سیاسی پدیده‌ای متکثر و پدیده‌های جغرافیایی نیز متأثر از فرآیندهای مکانی- فضایی هستند که سرشتی پویا و دگرگون‌پذیر دارند. الگوهای فضایی که از این فرآیند تکثر و پویایی حاصل می‌شود مورد مطالعه جغرافیای سیاسی قرار گرفته‌اند. در این میان، انتخابات بنیادی‌ترین پایه دموکراسی است. جستار انتخابات از آغاز تا انجام، تابع عوامل و فرآیندهای بسیاری است و ابعاد و سویه‌های متکثری دارد. همین شناسه سبب شده است که در حوزه مطالعه رشته‌ها و گرایش‌های مختلفی فعال باشد. جغرافیای انتخابات یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی است که به مطالعه سویه‌های جغرافیایی انتخابات می‌پردازد. پژوهش و خوانش عوامل موثر بر پراکنش فضایی مشارکت، انتخابات و آرا از دیرباز در حوزه این گرایش قرار داشته است. جغرافیای انتخابات به مطالعه همبستگی مذکور در

مییمنند دارند و مشکلاتی که در آمدود شد به مییمنند با آن روبه‌رو هستند، ترجیح می‌دهند بیشتر به شهرهای دیگر از جمله فیروزآباد رفت‌وآمد کنند. درصدی از ساکنان این بخش نیز ترک زبانان هستند که خویشان آنها بیشتر ساکن شهرهای فیروزآباد یا کازرون هستند. در بخش مییمنند عواملی مانند در سایه شهرستان فیروزآبادبودن، جمعیت کمتر مییمنند نسبت به شهرستان‌های حوزه انتخابیه، وجود نواحی زبانی- گویشی و اختلافات برخاسته از چنین تمایزهای فرهنگی و بُعد مسافت، باعث شده تا در بیشتر دوره‌های انتخاباتی پراکنش و تفرق آرا در سطح بخش مییمنند به‌وجود آید؛ وضعیتی که پیامد آن به‌شکل کم‌اثربودن آرا در کلیت حوزه انتخابیه نمود یافته است (شکل‌های ۱ و ۲).

در این پژوهش با توجه به موضوع مورد بررسی، پرسش‌هایی درباره تأثیر هویت مکانی بر الگوی فضایی رای، از مجموع ۳۷۰ نفر از شهروندان دهستان‌های مختلف بخش مییمنند پرسیده شد (جدول ۱). تعداد سئوال‌ات پرسش‌نامه ۱۳ سئوال بود. با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسش‌نامه سنجیده شد. در پایان ضریب آلفا ۰/۸۰۶ به‌دست آمد که گویای پایایی بالای پرسش‌نامه بود.



شکل ۱) موقعیت بخش مییمنند نسبت به کشور، استان و شهرستان فیروزآباد در حوزه انتخابیه



شکل ۲) موقعیت دهستان‌های بخش مییمنند نسبت به هسته مرکزی بخش (شهر مییمنند)

جدول ۱) مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه (۳۷۰ نفر)

متغیرها	تعداد
جنسیت	
زن	۵۳
مرد	۳۱۷
زبان و گویش	
فارسی	۲۶۸
ترکی	۷۱
سایر	۳۱
سطح تحصیلات	
بی‌سواد	۲۷
ابتدایی	۴۲
راهنمایی	۵۰
متوسطه	۵۳
دیپلم	۱۰۳
دانشگاهی	۹۵

تأثیر هویت مکانی بر آرا: در این پژوهش برای سنجش تأثیر هویت مکانی بر آرای مردم در انتخابات، مولفه‌هایی مانند توجه به نظر و

مکان‌ها، بافت مناسبی برای شکل‌گیری هویت‌های سیاسی و بازشناسی علایق سیاسی فراهم می‌کنند. از این منظر فعالیت سیاسی را می‌توان بر محور مکان، سازماندهی و آماده کرد. به‌ویژه آنکه باور بر آن است که قدرت در چهارچوب مکان پی‌ریزی می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد [18]. از آنجا که در هر حوزه انتخابیه (به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی- فضایی) چندین نفر برای کسب آرا و درنهایت برنده‌شدن رقابت می‌کنند و بیشتر حوزه‌ها نیز از دیدگاه جغرافیایی (فرهنگی و سرزمینی) و توسعه‌ای، منافع گوناگون و گاه متعارض دارند، زمینه برای هم‌آوردی‌های مکانی فراهم می‌شود و منافع نامزدها نیز گاه در دمیدن به همین تعارض‌ها و دگرسویی‌ها شکل می‌گیرد. به دیگر سخن، رقابت‌های مکانی یکی از پیامدهای هم‌آوردی (رقابت) منافع و مصالح متعارض افراد و جریان‌ها به‌شمار می‌آید؛ رقابت‌هایی که در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون در قالب شعارها، وعده‌ها و برنامه‌ها، نمودهای مختلف می‌یابد. در ایران هم‌آوردی‌های مکانی بیشتر در آن دست از حوزه‌های انتخاباتی نمود دارد که گاه از چندین شهرستان تشکیل شده‌اند یا از منظر فرهنگی (زبانی و مذهبی) و توسعه‌ای متفاوت هستند. در چنین بستری، نامزدهای انتخاباتی با پرداختن به شکاف‌های هویتی و توسعه‌ای می‌کوشند تا پایگاه رای‌آوری مطمئن و پایداری برای خود بیافرینند.

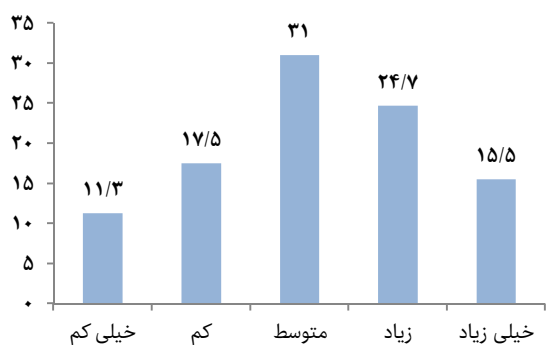
محیط‌شناسی

بر اساس تقسیمات کشوری (۱۳۹۰)، استان فارس ۲۹ شهرستان، ۱۰۰ شهر، ۸۳ بخش و ۲۰۴ دهستان دارد. این استان با ۱۸ نماینده به ۱۵ حوزه انتخاباتی تقسیم می‌شود. در این میان حوزه انتخابیه فیروزآباد (۱۱۹۷۲۱ نفر)، فرشبند (۴۲۷۶۰ نفر)، قیروکارزین (۶۵۰۴۵ نفر)، سه شهرستان و چند بخش را پوشش می‌دهد. بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۰، شهرستان فیروزآباد با جمعیتی نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر پرجمعیت‌ترین شهرستان حوزه است که به‌تبع با بالاترین تعداد رای‌دهندگان، تعیین‌کننده‌ترین شهرستان در تعیین نماینده برای ورود به مجلس شورای اسلامی را دارد. بر پایه واپسین تقسیمات کشوری، فیروزآباد ۲ نقطه شهری (فیروزآباد- مییمنند)، ۲ بخش (مییمنند و مرکزی)، ۵ دهستان (احمد آباد، جابدشت، خواجه‌ای، دادنجان، پرزیتون) و ۲۷۱ آبادی دارد. افزون بر این، این شهرستان از نظر زبانی و گویشی، حوزه دو زبان فارسی و ترکی (قشقایی) با تنوع در گویش‌ها و لهجه‌ها است. در این میان، بخش مییمنند با ۲۴۳۱۱ نفر جمعیت شامل هسته مرکزی (شهر مییمنند) و ۳ دهستان به نام‌های پرزیتون، خواجه‌ای و دادنجان است که از این شمار، ۹۰۵۸ نفر جمعیت شهری و ۱۵۲۵۳ نفر جمعیت روستایی هستند. دهستان پرزیتون با ۶۸۶۵ نفر به عنوان نزدیک‌ترین دهستان به شهر مییمنند بین دهستان‌های بخش است که بیشترین دادوستد روزانه را دارد. این دهستان شامل ۱۰ روستا، ۱۲ مزرعه و شرکت است. مرکزیت این دهستان روستایی با همین نام است که با روستاهای پیرامون خود (آبگل- گنک) بدنه اصلی این دهستان را تشکیل می‌دهند. دهستان خواجه‌ای با ۶۵۹۰ نفر یکی دیگر از دهستان‌های بخش مییمنند است. مرکز این دهستان روستای جوکان با بیش از ۲۰ روستا، چندین بنکوی عشایری و مزرعه است. دادنجان با مرکزیت روستای دادنجان با ۱۷۹۸ نفر جمعیت، سومین و کوچک‌ترین دهستان بخش مییمنند به شمار می‌رود که ۱۰ روستا و چندین مزرعه را پوشش می‌دهد. بیشتر ساکنان این دهستان نیز مانند خواجه‌ای به‌دلیل فاصله‌ای که با

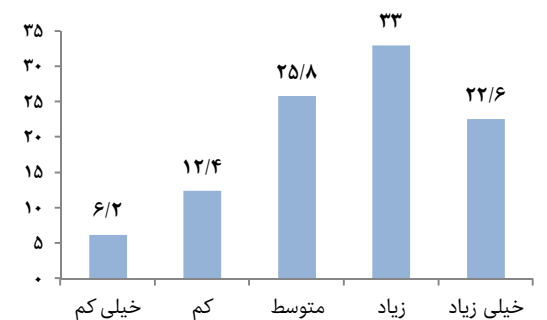
ذکر نتایج سه دوره اخیر انتخابات مجلس شورای اسلامی در بخش میمند این موضوع مورد اشاره قرار می‌گیرد (جدول ۴).



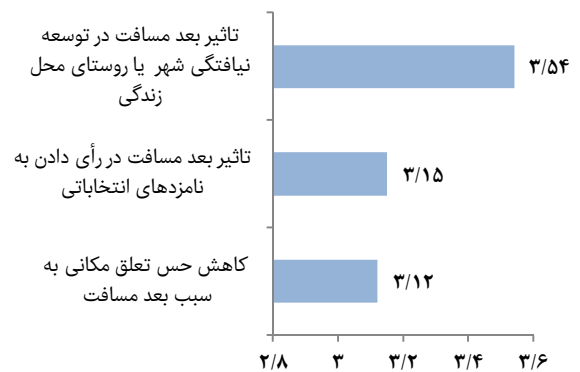
نمودار (۱) میزان توافقی با مولفه کاهش حس تعلق مکانی به سبب بعد مسافت (درصد)



نمودار (۲) میزان توافقی با مولفه تاثیر بعد مسافت در رای دادن به نامزدهای انتخاباتی (درصد)



نمودار (۳) میزان توافقی با مولفه تاثیر بعد مسافت در توسعه نیافتگی روستای محل زندگی (درصد)



نمودار (۴) میانگین نمره مولفه‌های تاثیر بعد مسافت بر آرای مردم در انتخابات

رای همشهری‌ها یا هم‌ولایتی‌ها، رای دادن به نامزد انتخاباتی شهر محل زندگی، تاثیر گرفتن فرد از نظر و رای دوستان و آشنایان و توجه به تفاوت‌های زبانی- گویشی در انتخابات سنجیده شده است. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مولفه‌های مربوط به تاثیر هویت مکانی بر آرای مردم در انتخابات نشان می‌دهد که میزان توافقی در مولفه‌های توجه به رای و نظر همشهری‌ها یا هم‌ولایتی‌ها با ۴۸/۵٪، رای دادن به نامزد انتخاباتی شهر محل زندگی با ۵۵/۸٪، تاثیرپذیری فرد از نظر و رای دوستان و آشنایان با ۵۲/۶٪ و توجه به تفاوت‌های زبانی- گویشی در انتخابات با ۵۲/۶٪ زیاد و خیلی زیاد است. میانگین نمره تمامی مولفه‌های یاد شده نیز به ترتیب با ۳/۳۱، ۳/۴۸، ۳/۴۹ و ۳/۳۷ بالاتر از میانه نظری (متوسط نمره) یعنی ۳ است (جدول ۲).

جدول (۲) میزان (درصد) توافقی با مولفه توجه به نظر و رای همشهری‌ها یا هم‌ولایتی‌ها در انتخابات

مولفه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
در انتخابات به نظر و رای همشهری‌ها توجه می‌کنم. در صورت نامزد شدن فردی از شهرم به وی رای می‌دهم.	۷/۲	۱۶/۵	۸/۲۷	۳۵/۱	۱۳/۴	۳/۳۱
رای من متاثر از رای دوستان و آشنایانم است.	۸/۲	۱۷/۵	۲۱/۷	۳۰/۹	۲۳/۷	۳/۴۸
در انتخابات به تفاوت‌های زبانی- گویشی توجه می‌کنم.	۷/۲	۱۷/۵	۲۲/۷	۳۶/۱	۱۶/۵	۳/۳۷

بُعد مسافت و پراکنش آرا: در این پژوهش برای سنجش تاثیر بُعد مسافت بر آرای مردم در انتخابات، مولفه‌هایی مانند کاهش حس تعلق مکانی به سبب بُعد مسافت، تاثیر بُعد مسافت در رای دادن به نامزدهای انتخاباتی و تاثیر بُعد مسافت در توسعه نیافتگی شهر یا روستای محل زندگی مورد نظرسنجی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مولفه‌های مربوط به تاثیر بُعد مسافت بر آرای نشان می‌دهد که میزان توافقی در مولفه‌های کاهش حس تعلق مکانی به سبب بُعد مسافت با ۴۰/۲٪، تاثیر بُعد مسافت در رای دادن به نامزدهای انتخاباتی با ۴۰/۲٪ و تاثیر بُعد مسافت در توسعه نیافتگی شهر یا روستای محل زندگی با ۵۵/۶٪ زیاد و خیلی زیاد است (نمودارهای ۱ تا ۴). میانگین نمره همه مولفه‌ها نیز به ترتیب با ۳/۱۲، ۳/۱۵ و ۳/۵۴ بالاتر از میانه نظری (متوسط نمره) یعنی ۳ است.

نسبت آرا و توسعه سکونتگاه: برای سنجش تاثیر آرا در توسعه شهر یا روستای محل زندگی، مولفه‌هایی مانند تاثیر آرا در توسعه شهر یا روستای محل زندگی و تاثیر نمایندگان مجلس و مسئولان محلی در بهبود وضعیت شهر یا روستای محل زندگی مورد نظرسنجی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از نظرسنجی مولفه‌های مربوط به تاثیر آرا در توسعه شهر یا روستای محل زندگی نشان می‌دهد که میزان توافقی با ۶۱/۹٪ و تاثیر نمایندگان مجلس و مسئولان محلی در بهبود شرایط شهر یا روستای محل زندگی با ۶۷٪ کم و خیلی کم است. میانگین نمره تمامی مولفه‌های مذکور نیز به ترتیب با ۲/۳۶ و ۲/۱ پائین‌تر از میانه نظری (متوسط نمره) ۳ است (جدول ۳).

سرشکن شدن آرا در ادوار انتخابات مجلس: نکته قابل توجه در پژوهش حاضر آن است که در قلمرو مورد تحقیق، آرا بر نامزد خاصی تاکید نداشته است و این موضوع یعنی عدم اتفاق نظر روی نامزد مشخص طی دوره انجام وظیفه نماینده در مجلس شورای اسلامی نیز سبب کاهش قدرت چانه‌زنی میمندی‌ها برای جذب حداکثری حمایت‌های مادی و معنوی نماینده پیروز شده است. در ادامه با

جدول ۳ نتایج نظرسنجی در زمینه تاثیر آرای مردم در توسعه شهر یا روستای محل زندگی (درصد)

مولفه‌ها	خیلی کم	متوسط زیاد	خیلی زیاد	میانگین
آرای مردم را در توسعه شهر یا روستای محل زندگی خود موثر می‌دانم.	۱۶/۵	۲۷/۸	۴/۱	۲/۳۶
نمایندگان مجلس و مسئولان محلی در بهبود وضعیت شهر یا روستای محل زندگی من موثر بوده‌اند.	۳۹/۲	۱۹/۶	۳/۱	۲/۱

جدول ۴ نتایج دوره‌های هفتم تا نهم انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران در بخش میمند و نتایج دهمین دوره در کل حوزه انتخابیه شهرستان‌های فیروزآباد، قیروکارزین و فراشبند (برگرفته از فرمانداری شهرستان فیروزآباد، ۹۰-۱۳۸۲)

نام و نام خانوادگی	درصد آرا
هفتمین دوره	
سیدیونس موسوی سرچشمه	۳۶/۱
محمد صبوری	۳۱/۲
عبداله روا	۱۳
مهران حفاری	۸/۳
بیژن بهرامی میمندی	۶
جاوید آصفی	۱/۸
ظاهر احمدی	۱/۴
سایرین	۲/۲
هشتمین دوره	
ابراهیم استوار میمندی	۳۷/۷
سیدیونس موسوی سرچشمه	۲۳
نادر فریدونی	۹/۵
کوروش کریمپور حقیقی	۹
حیدر عالی‌شوندی	۷/۴
تورج دهقانی	۳/۴
علمدار بابایی	۲/۲
سایرین	۷/۸
نهمین دوره	
نادر فریدونی	۵۴/۴
سیدیونس موسوی سرچشمه	۳۴/۵
محمدعلی کاویانی	۶/۸
عبداله نامداری قره‌قانی	۲/۵
خیراله رضانی	۱/۴
عباس صفرپور	۰/۲
پیام مروج	۰/۱
دهمین دوره	
کوروش کرم پور	۳۹/۶
سید یونس موسوی سرچشمه	۲۴/۵
نادر فریدونی	۱۳/۶
محمدعلی کاویانی	۱۱
شمشاد کاظمی	۴/۱
علی رزازان	۳/۵
فریبرز پناهی	۲/۲
سایرین	۱/۵

نتیجه‌گیری

انتخابات یکی از مهم‌ترین نمودهای تفاوت‌های مکانی است. مردم متعلق به سکونتگاه‌های متفاوت، نیازها، خواسته‌ها و برداشت‌های متفاوتی در زمان انتخابات دارند. هر مکان به دنبال رسیدن به مطلوب‌ترین حالت است و برای محقق شدن این هدف به توانایی‌ها، میزان جمعیت، میزان اثرگذاری، هویت و محل سکونت نامزدهای انتخاباتی و نیز وعده‌های داده‌شده توسط آنان توجه می‌کند. مجموع این عوامل به شکل‌گیری الگوهای فضایی مشابه یا متفاوت از آرا در مکان‌ها می‌انجامد که به نسبت میزان بهره‌وری

مشترک در دوره‌های انتخاباتی گذشته از نماینده یا نمایندگان منتخب، الگوی مشابهی از رای‌دهی را در فضاهای همجوار شاهد هستیم یا بالعکس به‌میزان محرومیت فضا یا فضاهایی از اهداف و خواسته‌ها نسبت به مکان‌های مجاور در ادوار انتخاباتی گذشته شاهد تنوع، تکثر و تفاوت در پراکندگی آرا هستیم. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که هویت‌های مکانی در قالب تعارضات مکانی متأثر از تنوع گویش و احساس پردشدگی ناشی از بُعد مسافت به ناهمگونی آرا انجامیده است، به‌گونه‌ای که به سرشکن شدن آرا و آفت وزن ژئوپلیتیک بخش میمند در کلیت حوزه انتخابیه فیروزآباد انجامیده است. در هر دوره تقریباً همه نامزدهای انتخاباتی حاضر در انتخابات توانسته‌اند در سطح بخش میمند بخشی از آرا را به خود اختصاص دهند در صورتی که به‌غیر از *ابراهیم استوار میمندی* نامزد دوره هشتم انتخابات که وی نیز نتوانست آرا قابل توجهی در مقیاس بخش را به‌خود اختصاص دهد (۵۰۰۰ رای از ۱۵۰۰۰ رای موجود در بخش میمند)، دیگر نامزدها چندان برای میمندی‌ها شناخته شده نبوده‌اند. در حالی که اگر ساکنان بخش میمند می‌توانستند دست کم به یک وحدت رویه درباره همگونی‌سازی آرا برسند، توان بیشتری برای اثرگذاری در کلیت حوزه انتخابیه داشتند. هرچند زبان غالب در بخش میمند فارسی است اما وجود گویش‌های متفاوت در روستاها و متفاوت بودن نوع گویش ساکنان بخش مرکزی (شهر میمند) نسبت به روستاهای پیرامون، گونه‌ای احساس بیگانگی میان ساکنان مرکزی شهر با دیگر مردم بخش به‌وجود آورده است. بخش میمند افزون بر هسته مرکزی (شهر میمند)، ۳ دهستان دارد. مساله مهم در اینجا فاصله میان روستاها از ۲ دهستان خواه‌ای و دادنجان از هسته مرکزی بخش (شهر میمند) است. هرچند این بخش نسبت به ۳ شهرستان دیگر حوزه انتخابیه یادشده جمعیت کمتری دارد اما به نسبت جمعیتی که در خود جای داده است وسعت به نسبت زیادی دارد، به همین دلیل بخش‌هایی از ۲ دهستان یادشده برای آمدوشد به شهر میمند با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آن دوری شهر برای آمدوشد آنهاست. بسیاری از آنها دسترسی آسان‌تری به شهرستان فیروزآباد و عده‌ای نیز به شهرستان کوار نسبت به میمند دارند، زیرا برای رسیدن به میمند اگر وسیله نقلیه شخصی نداشته باشند گاه باید بیش از سه بار تغییر مسیر دهند که این مساله باعث شده است که آنان جز در موارد ضروری آن هم برای انجام امور اداری، شهرستان‌های دیگر به ویژه فیروزآباد را برای تامین نیازهایشان برگزینند. از طرفی حتی از نظر تامین نیازمندی‌های روزانه نیز میمند به علت محدودیت‌های موجود و توسعه‌نیافتگی لازم، گیرایی کمتری نسبت به دیگر شهرهای پیرامون برای آنها دارد. افزون بر موارد یادشده، بخش‌هایی از دهستان‌های یادشده تا چندسال پیش زیرمجموعه خود شهرستان فیروزآباد بود که به ایجاد نارضایتی در مردم و شکل‌گرفتن نوعی احساس عدم تعلق در بخش‌هایی از این نواحی نسبت به هسته مرکزی بخش انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که بنا به گفته‌های محلی مدتی است در تلاش برای برگرداندن وضع به حالت پیشین و قرارگرفتن زیر پوشش شهرستان فیروزآباد هستند. جدای از امکان عملی شدن یا نشدن این خواسته، مهم شکل‌گرفتن نوعی عدم همبستگی میان حداقل بخشی از این نواحی نسبت به میمند است که به بی‌تفاوتی گروه‌هایی از آنان نسبت به سرنوشت شهر و بخش انجامیده که در نتیجه آن، شهر بیشتر منزوی شده است و نحوه تصمیم‌گیری‌ها در انتخابات در سطح کلیت بخش نشان می‌دهد که تعلق خاطر لازم نسبت به شهر میمند در میان ساکنان این بخش

- 5- Moharami T. Our Iranian-Islamic identity in Iranian identity. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research; 2004. [Persian]
- 6- Shakuie H. New trends in philosophy of geography. 2nd volume. Tehran: Gitashenasi Geographical & Cartographic Institute; 2003. [Persian]
- 7- Taban M, Pashoutani-zadeh A. Index urban axis and ecological river corridors (promoting place identity focusing pedestrian trails tourism). Hoviatshahr. 2010;4(6):51-62. [Persian]
- 8 - Ghasemi Isfahani M. Where are we from? (Giving identity to residential tissue). Tehran: Rozaneh; 2004. [Persian]
- 9- Pakzad J. Identity with space. Soffeh. 1996;6(21-22):25-48. [Persian]
- 10- Falahat MS. The concept of the sense of place and its forming factors. Honar-ha-ye-Ziba. 2006;26:57-66. [Persian]
- 11- Reinthal T. We'll both belong to the place: Developing cultural awareness through receptivity and recognition [Internet]. Canberra: ANZCA; 2010 [cited 2016 Agu 26] Available from:
- 12- Madani Pour A. Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process. Mortezaei F, translator. Tehran: Urban Processing and Planning Co.; 2005. [Persian]
- 13- Tabrizi J, Shakuie H. The effect of technological urban renovation on the creation of nondescriptness sense; case Study: Navvab Highway in Tehran. Modarres Hum Sci. 2003;7(2):141-62. [Persian]
- 14- Sarmast B, Motevasseli MM. Investigating and analyzing the role of the city scale in the sense of place; case study: Tehran. Urban Manag. 2010;8(26):133-46. [Persian]
- 15- Kavyani Rad M. Election geography with emphasis on presidential elections in Iran. Tehran: Kharazmi Universiy Press; 2013. [Persian]
- 16- Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of Iran. Seventh elections studies, theoretical and strategic exploration of the elections. Tehran: Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of Iran; 1999 [cited 2016 May 15]. Available from: <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/728676>. [Persian]
- <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/728676>
- 17- Taylor P. Political geography and the theoretical study of the east European. New York & London: Longman; 1989.
- 18- Jones M. An introduction to political geography: Space, place and politics. Pishgahifard Z, Akbari R, translators. Tehran: Tehran University Press; 2007. [Persian]

به ویژه دهستان‌های پیرامون شکل نگرفته است. آمار آرا ماخوذه در سه دوره انتخاباتی هفتم تا نهم نشان می‌دهند که تقریباً همه نامزدها به نسبتی از آرای ۱۳ تا ۱۵ هزار نفری بخش میمند بهره‌مند شده‌اند و دست کم سه یا چهار نفر اول در هر دوره به نسبت کل آرا موجود در بخش میمند از آرا مناسبی برخوردار بوده‌اند، در صورتی که اگر حداقل همین تعداد آرا، بیشتر به نفر اول انتخابات در هر دوره اختصاص می‌یافت، چه بسا نماینده برگزیده شده انگیزه بیشتری برای رسیدگی به خواسته‌های مردم بخش میمند پیدا می‌کرد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان مقاله حاضر بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی به واسطه حمایت مادی که از انجام این پژوهش به عمل آورده است مراتب سپاسگزاری خود را اعلام کنند.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

سهم نویسندگان: مراد کاویانی‌راد (نویسنده اول)، روش‌شناس/نگارنده بحث (۴۰٪)؛ حسین گوهرزادگان‌منش (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر اصلی /تحلیلگر آماری (۶۰٪)

منابع مالی: مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه حسین گوهرزادگان‌منش، کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی به راهنمایی دکتر مراد کاویانی‌راد است.

منابع

- 1- Kavyani Rad M, Azizi S. Explanation of informal settlement from the perspective of environmental justice; case study: Mahmoodabad village of Karaj. J Police Geogr. 2013;1(2):69-88. [Persian]
- 2- Kavyani Rad M, Azizi Kaveh A. The role of place identity in political action; case study: Enghelab square and Tehran streets. Sci J Manag Syst. 2011;11(20):151-67. [Persian]
- 3- Ebadiyan M. Identity crisis, not individual nondescriptness. In: Feyrahi D, Ebadiyan M, Noche-Fallah R, Malekian M, Doran B, Mohseni M, et al. Theoretical foundations of identity and identity crisis. Alikhani AA, editor. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research; 2004. [Persian]
- 4- Feyrahi D. The ratio of identity and fragmented identities. In: Feyrahi D, Ebadiyan M, Noche-Fallah R, Malekian M, Doran B, Mohseni M, et al. Theoretical foundations of identity and identity crisis. Alikhani AA, editor. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research; 2004. [Persian]